



## نقدی بر فیلم کاپیتان لبریز از خیال و خلاقیت کودکان

رضا آشفته - فیلم کاپیتان از حال و هوای کودکان سرطانی در یک بیمارستان میگوید که چگونه برای سپری شدن دوره درمان دارند کودکی میکنند و بیخیال همه چیز دست به دامان رویاهایشان میشوند. محمد حمزهای در یک فیلم اجتماعی بر آن است که یک موقعیت پر از درد و درمان را به شریطی شیرین و لبریز از خیال و خلاقیت کودکان تبدیل کند و در این مسیر گزینشها و اشارههای درستی را پیشروی دوربینش قرار میدهد؛ بلکه مخاطب نیز بداند در شرایط سختی همچون سرطان باید امیدوارانهتر و چه بسا گاهی بیخیالانهتر تن به درمانهای سخت سپرد تا اینکه در مان میسر تر شود. فیلمنامه امیر محمد عبدی به یک واقعیت قابل درک و لمس دارد نزدیک میشود اما از آنجا که کودکان سرطانی محور اصلی این داستان و موقعیت هستند، همه چیز به دنبال اثبات رویاهای شیرینی است که همه کودکان دچارش هستند و فرقی نمیکند که برخی از آنان در شرایط سخت قرار گرفته باشند. عیسی نمونهی بارز یک کودک سرطانی است که با هیاهو و دلگرمی بازیگر بچههای سرطانی اتفاقات نابی را در مان میزند. از آنجا که عیسی میخواهد کاپیتان تیم ملی شود پیامهای زیادی را از طریق پرستار نظری (با بازی پانتها پناهیها) برای کریم باقری میفرستد و نتیجه آنکه پاسخی از این بازیکن تیم ملی و پرسپولیس برای دعوت به تمرینها داده میشود اما هیاهو و رویاهای عیسی فقط مربوط به خودش نمیشود بلکه با آمدن دختری به نام پروانه سعی میکنند دست به کارهایی بزنند که رویای این دختر عملی شود. دختری که پدرش کاپیتان کشتی است و با سوختن کشتی زیر آبها جامانده است و حالا دختر دوست دارد به دریا برود اما مادرش انگار از دریا بیزار است. تالشهای عیسی بستر دلدادگیهای انسانی را جایگزین رویاهای شخصی میکند و «دیگری» جایگزین «من» میشود و این همان قصه ظریف انسان شدن و انسان ماندن است و چه زیبا این حکایت در کاپیتان با شاعرانگی تمام سروده میشود چنانچه در پایان قصه عیسی به جای رفتن به تمرین پرسپولیس از پدرش میخواهد پروانه و امان آبادانی را به دریا ببرد و پس از آن پرند زخمی خوب شده و پرواز میکند و بچه های سرطانی نیز پرندهای کاغذی خود را با شور و شوق به پرواز در میآورند. حمزهای، بر آن است که میزانشناسی بر پایه همین دردها و رویاهای کودکان آراشمبش مخاطبان باشد و بارنگهای آبی و سفید و در عین حال رنگبندیهای گرم که در لباس و گرمی دلقک بیشتر محقق میشود چنین منظوری در فضا سازی دیده میشود. همچنین شلوغی و هیاهوی بازی و طنز بازی کودکان بر این فضا از زش افزوده است که بیانگر همین حال و هواست. شاید برخی از بازیها نیازمند دقیق شدن باشد چنانچه پروانه و امان از دردهایشان انگار فاصله گرفته اند فقط دارند کودکی میکنند اما بازیگر نقش عیسی و آن قیافه نحیف لبریز از درداست اما نوع مواجهه اش رویاهای شیرین را به چالش میکشد و این همان اقتضای جنس بازی اوست که اگر دیگر بازیگران نیز چنین میبودند حتما باور فیلم بیشتر از اینها میشود. پانتها پناهیها اینبار در سینما فرصت بیشتری همانند تئاتر یافته تا خود را به عنوان بازیگر بروز دهد و در این فرصت در مقام یک پرستار و مادر نه تنها کم نمیگذارد بلکه از سر حوصله و دقت بر آن است که مهر بسیاری را نصیب کودکان سرطانی کند؛ زیرا که او نیز یک کودک سرطانی داشته و پس از سه سال دوره درمان از دست داده اش و این جای خالی باید به گونهای پر شود و این حسرت باید جبران شود و اینها نکات بارزی است که بازی پناهیها را برجسته میسازد. پژمان بازغی نیز در نقش پدر کم نمیگذارد و بیشترین فرصت را در قالب یک دلقک به درستی نمایان میسازد بی آنکه بداند عیسی از وجود نامحسوس او در بیمارستان باخبر است و این بازی پدرانه و پسرانه بسیار شیرین مینماید. فیلم کاپیتان مخاطبان را سرزنده نگه میدارد و آموزهای بسیاری برای همهی بیماران دارد که هر یک به گونهای با آن دست به گریبان هستند.

بازی کرده است و برای خودش هم همین گونه است و به نظر کارگردان ظرفیت های زیادی به او منتقل کرده تا آماده نقش شده است. البته آقای حمزهای برای انتخاب بازیگران با وسواس وقت گذاشتند تا به گزینه های کنونی رسیدند و من هم اختیاراتم را در انتخاب بازیگران به او سپردم. ضمن اینکه در فیلم ما نقش های آقای بازغی و خانم پانتها پناهیها نقش های مکملند و نقش های اصلی را بچه های قصه ایفا می کنند که می توانم شهادت بدهم که با همه سختی هایی که فیلم داشت اینقدر بازی های منحصربه فردی انجام دادند که حیرت زده خواهید شد. این بچه ها در یک فرایند انتخاب بازیگران پیچیده و بعد از گرفتن تست از بین صدها نفر انتخاب شدند.

**فیلم تان با توضیحاتی که دادید در ژانر کودک قرار دارد؟**  
فیلم اجتماعی و درباره کودکان است و حضور پررنگ کودکان در آن حس می شود. در اکران هایی که تا کنون داشتیم بچه ها از تماشای فیلم لذت بردند و حال و هوای فیلم برای شان جذاب است و بزرگسالان هم از تماشای فیلم حس لازم را می گیرند.

**فکر می کنید «کاپیتان» چه فاکتورهای بی و ویژه ای دارد؟**

هیچ ماستبندی نمی گوید ماست من ترش است اما منصفانه بگویم دوستانی که فیلم را دیده اند می گویند نمی شود بازی همه بازیگران را نادیده گرفت. معتقدم محمد حمزه ای و نویسنده خیلی برای فیلم زحمت کشیدند. اگر بخوایم نام برم تاکیدم را می گذارم روی ابتدا نویسندگی و بعد بازی ها و کارگردانی. هم چنین گریمر خوب کار که لازم به توضیح نیست که بگویم چقدر به زیبایی فیلم اضافه کرده است یا آهنگساز فیلم که همگی نقاط قوت «کاپیتان» را تشکیل میدهند.

### صحبت پابانی:

بعضی دوستان معتقدند در فضای کنونی جامعه شاید بهتر باشد کمتر به جشنواره توجه کنند که معتقدم رفتار حرفه ای اندکی با این موضوع تناقض دارد. رفتار حرفه ای می گوید که مادر قبال کار و شغل مان مسئولیم و درباره موضوعات اجتماع هم همین طور و این دو منافی هم نیستند ولی کار حرفه ای را باید به بهترین شکل انجام دهیم و اگر هم به مسائل اجتماعی نکاتی داریم به آن هم بپردازیم.

میشود. شما با دیدن بچه در بیمارستان اصلا اینتلخی را حس نمی کنی، اتفاقا امید را حس می کنی در حالی که واقعیت بیماری در بچه ها وجود دارد، در کنارش هم یک بخش پر رنگ از پرستاران و پزشکان می بینید که در سینمای ایران کم تر به این موضوع پرداخته شده یعنی درباره جایگاه این قشر از جامعه در کشور.

### با چه شناختی محمد حمزه ای را به عنوان کارگردان فیلم تان انتخاب کردید؟

حمزه ای سالهاست که تجربه دستکاری در سینمای ایران دارد یعنی از سن کم، دستیار خیلی از کارگردان های شاخص سینمای ایران بوده و سینما رانز بهترین های این حرفه آموخته، در سینمای کودک و مجموعه کارهایی که در گذشته انجام داده بود همیشه نشان داده که یک آتی دارد که می تواند فرصت ساز برای فیلم باشد. او اولین فیلمش «آذر» را به تهیه کنندگی نیکی کریمی کارگردانی کرد و به عنوان نخستین ساخته سینمایی اش قابل توجه بود. محمد حمزه ای از اولین ساخته تا الان یک پوست اندازی کرده و او در آینده خود را جزو بهترین های سینمای ایران معرفی خواهد کرد. بعد از این که فیلم «کاپیتان» را ببینید این حسی را که من دارم خواهید داشت.

### فیلمنامه امیر محمد عبدی چه قصه ای را روایت می کند؟

او تجربه های جدی در حوزه نویسندگی دارد و انصافا عبدی برای فیلم نامه وقت گذاشت و چندین مرتبه دوباره نگاری شد و در واقع نسخه او نسخه یونیک است که در واقع از فیلم در آمده است. همان گونه که اشاره کردم فیلم را با موضوع امید ساختیم و پیام اصلی داستان هم امید به زندگی است و همه نقش های فیلم امید به زندگی در آن ها جاری است و آقای عبدی توانسته پیچیدگی های روایتی در فیلم نامه ایجاد کند که تک تک این فرایندها برای تماشاچی جذاب است و برایش اتفاق جدید است و تقریبا هر چند دقیقه با یک غافلگیری در داستان رو برو می شوید که خصوصیت فیلم نامه اوست که به کمک ما آمده و کاپیتان شکل گرفته است.

### دو نقش اصلی زن و مرد فیلمتان، پژمان بازغی و پانتها پناهیها و دیگر بازیگران بر چه اساس انتخاب شدند؟

در واقع شاید متفاوت ترین نقشی باشد که پژمان بازغی

### موضوع را قبول دارید؟

خب از چه نظر ما مظلومیم؟!

### منظورم این است که آنها پایتینر دستمز در امیگیرند در حالی که شالوده یک فیلم بیگمان فیلمنامه آن اثر است. به نظر شما این اجحاف نیست؟

ببینید من هم مانند بسیاری از مردم در خانواده های بزرگ شدم که مشکلات معیشتی عیدهای داشت. نمیدانم تا چه حد من را میشناسید اما به جرات میتوانم بگویم تا حالا نشده که کاری را به انجام برسانم و بعد از آن بگویم چرا اینقدر دستمز من پایین بود؟! یا چرا فلان بازیگر و بهمان عامل فیلم از من بیشتر پول گرفتند. به عنوان یک فیلمنامه نویس حرفهای به یقین سینما محل کسب و کار و ارتزاق من است و تمام درآمد من از سینماست اما هرگز دوست نداشتم به سینما، چنین نگاهی داشته باشم. همواره چیزهای مهمتری برای من مطرح بوده اند.

### نویسنده مورد علاقه شما کیست؟

سوال خیلی سختی پرسیدید... راستش برای کسانی که مطالعات متعددی دارند، انتخاب یک نویسنده یا یک اثر به عنوان کار مورد علاقه، بسیار دشوار است. در سست مثل آلبومهایی از خوانندگان مطرح که بسیار سخت است که شما یک ترانه را در آنها گلچین کنید. با وجود این من داستانهایی را با لایه اجتماعی بیشتر میپسندم.

### سید صابر امامی:

#### کاپیتان فیلم تلخی نیست

### درباره فیلمنامه و مضمون کاپیتان بگویید. در مواجهای که پیشنهاد تهیه فیلم به شما شد چه ویژگی قصه برای تان حائز اهمیت بود؟

طرح این فیلم سه چهار سال پیش دست ما رسید و در این مدت خیلی فکر کردیم که چطور می شود این طرح را به سینما نزدیک کرد، از ابتدای امسال فیلم نامه را جدی جلو بردیم. مهم ترین ویژگی «کاپیتان» این است که فیلمی است درباره کودکانی که در بیمارستان هستند اما برخلاف فضایی که این مکان در ذهنیت اول به ما منتقل می کند سراسر امید است و نقطه عطف فیلم محسوب